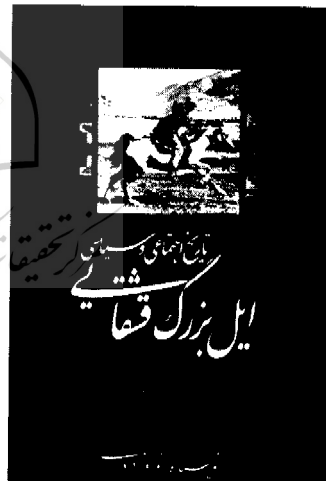


## تاریخ ایل قشقایی

• علی احمد الباسی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران



■ تاریخ اجتماعی و سیاسی ایل بزرگ قشقایی

■ نوروز دردراری

■ شیراز، انتشارات قشقایی، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات:

۷۷۸

کتابی که پیش روی ما قرار گرفته در حوزه‌ی مطالعات مردم‌شناسی و ایلات و عشایر قرار دارد که در زمینه‌ی مطالعات علمی و تاریخی یک حوزه‌ی نسبتاً بکر و تازه است و امکانات و فرصت‌های بالنسبه‌ی جدیدی را در اختیار مورخان و مردم‌شناسان قرار می‌دهد. از آن جایی که ایلات و عشایر یکی از عناصر اصلی ساختار جمعیتی ایران را در گذشته‌های نه‌چندان دور تشکیل می‌داده و در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران نقش فعال و تعیین کننده داشتند تا جایی که بیشتر حکومت‌های ایران پس از اسلام منشأ ایلی و عشایری داشتند و ایلات نقش بارزی را در زمینه‌ی سیاسی برعهده داشتند و در زمینه‌ی تحولات اجتماعی و اقتصادی نیز به ایفای نقش خاصی می‌پرداختند. بنابراین توجه به نقش و جایگاه ایلات و عشایر در ساختار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران در گذشته موجب گردیده که برخی از پژوهشگران به منظور پاسخگویی به نیازهای علمی در این زمینه به حوزه‌ی مطالعات ایلات و عشایر روی آورند که پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه افق‌های روشنی را فرآوری پژوهشگران قرار داده است. از جمله پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه کتاب تاریخ اجتماعی و سیاسی ایل بزرگ قشقایی نوشته نوروز دردراری است که انتشارات قشقایی آن را به چاپ رسانده است که اینک به معرفی و نقد آن می‌نشینیم.

این اثر در نه فصل به نگارش در آمده که در بردارنده موارد زیر می‌باشد: فصل اول شامل پیشینه‌ی تاریخی ایل قشقایی، منشأ ایل قشقایی، تاریخ مهاجرت ترکان به فلات ایران، تاریخ مهاجرت ترکان قشقایی به فارس و اسناد موجود تاریخی است. (ص ۲۵-۲۸) در این فصل نویسنده به منشأ نام ایل قشقایی پرداخته و آراء و نظریات موجود در این زمینه را بیان کرده است. فصل دوم این اثر شامل موقعیت جغرافیایی و جمعیت، حدود قلمرو ایل بزرگ قشقایی، جمعیت عشایر کوچنده ایران و جمعیت ایل نشینان قشقایی است. (ص ۳۳-۴)

فصل سوم کتاب در بردارنده‌ی زبان و فرهنگ ایل قشقایی، زبان ترکی، جمعیت مردم ترک زبان در دنیا، سوادآموزی در عشایر، تأسیس مدارس عشایری در فارس، پوشاک مردم قشقایی، تزیینات و زیورات زنان در ایل قشقایی، موسیقی و اهمیت آن در ایل، همسرگزینی و تشریفات عروسی، آهنگ‌ها و سرودهای مرسوم و مذهب و اعتقادات ایل قشقایی است. در واقع نویسنده در این بخش درصدد شناساندن فرهنگ فولکلوریک و بومی ایل نشینان قشقایی به خواننده است. (ص ۵۹-۱۷۷)

فصل چهارم شامل کوچ‌نشینی، ویژگی‌های زندگی کوچ‌نشینی، انواع کوچ و مهارت‌ها و پیشه‌های مردم ایل قشقایی است. (صص ۲۰۶-۱۷۷)

فصل پنجم این اثر شامل اقتصاد و دست‌بافته‌های ایل، شیوه‌های دامپروری، صنایع دستی رایج مانند قالی‌بافی، گلیم‌بافی و سرانجام مالیات در ایلات ایران و قشقایی است. مؤلف در این فصل به تاریخ اقتصادی ایل و زیرساخت‌های آن پرداخته و اطلاعات مبسوطی را درباره‌ی شیوه‌های امرار معاش و فعالیت‌های اقتصادی و گونه‌های مختلف دامداری و زمینداری ایل قشقایی ارائه داده است. در بخش قالی‌بافی اطلاعات ارزشمندی در زمینه‌ی انواع طرح‌ها، رنگ‌ها و نمادهای مرسوم در این صنعت فرا روی خوانندگان خود قرار می‌دهد که در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد و مبحث مالیات و انواع آن شامل اطلاعات گسترده‌ای درباره‌ی رابطه‌ی میان ایل قشقایی و حکومت مرکزی و بالعکس است. (صص ۲۵۹-۲۶۵) در واقع این پنج فصل تاریخ اجتماعی و فرهنگی کوچ‌نشینان قشقایی را در بر گرفته و با خاتمه‌ی آن مبحث تاریخ سیاسی آغاز می‌شود که فصل ششم تا نهم این اثر را به خود اختصاص می‌دهد.

فصل ششم کتاب در واقع آغاز مبحث تاریخ سیاسی ایل قشقایی محسوب می‌شود که شامل موضوعات سازمان سیاسی - اجتماعی ایل قشقایی، تشکیلات درونی آن، تقسیمات ایل، سازمان اداری و اجرایی ایل و نیز برخی از شخصیت‌های ایلی است. در این بخش نویسنده به تقسیمات قدرت و ساختار اجتماعی آن پرداخته و آن‌گاه اطلاعات و آمارهای جالب‌توجهی را درباره‌ی میزان جمعیت تیره‌ها و طوایف مختلف ارائه داده که در نوع خود ارزشمند است. (صص ۲۷۵-۲۸۹) در بخش دیگری نویسنده به بیان ساخت قدرت در ایل قشقایی پرداخته و هرم قدرت سیاسی ایل را توضیح داده و تقسیمات ساختار قدرت در ایل را که شامل ایلخان، ایل‌بیگی، کلانتران، خان، کدخدا و ریش سفیدان است بیان کرده است. (صص ۲۹۰-۲۹۳)

فصل هفتم کتاب تحت عنوان تاریخ سیاسی ایل قشقایی است که در دو

بخش به آن پرداخته که بخش اول شامل تاریخ ایل قشقایی از صفویه تا قاجار است و بخش دوم آن دوران حکومت پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را در برمی‌گیرد. نویسنده در آغاز این بخش چنین می‌گوید «ترک‌های قشقایی پیش از سده‌ی ششم به ایران مهاجرت کرده و در فارس اقامت گزیده‌اند اما از وضعیت سیاسی آنان تا سده‌ی دوازدهم سندی به دست نیامده است اولین سند تاریخی مربوط به دوران صفوی است و ما نیز بررسی سیاسی این ایل را از همین زمان شروع می‌کنیم.» (صص ۳۰۵) همان‌طور که از گفته‌های نویسنده برمی‌آید ورود ایل قشقایی به صحنه‌ی تحولات سیاسی ایران را بایست در آغاز فرمانروایی صفویان جست‌وجو کرد که به‌عنوان یکی از ایلات حامی آن‌ها به نگاهی از مرزهای جنوبی ایران گماشته شدند. آن‌گاه مؤلف به بیان شرح حال پاره‌ای از رجال سیاسی و نظامی ایل در دوران صفوی تا پایان آن سلسله پرداخته است. تحولات سیاسی ایل در دوره‌ی فرمانروایی نادر و جانشینانش و نیز زندیان از دیگر مباحث این بخش است. بررسی تاریخ سیاسی این ایل در روزگار فرمانروایی قاجاریه مبحث بعدی است که از حجم و گستره زیادی برخوردار است. در بخش آغازین این مبحث مؤلف در تحلیل سیاست آغامحمدخان قاجار نسبت به ایل قشقایی چنین می‌گوید: «آغامحمدخان با سوابقی که از دشمنی ایل قشقایی به‌علت همبستگی آنان با زندیان و هم چنین کینه آن‌ها را از زمان اسارت در حکومت کریم‌خان در این ایل به‌همراه داشت درصدد انتقام بر آمده و ایل را پاره پاره کرده و آن را تضعیف نمود.» (صص ۳۳۲-۳۳۳) سپس نویسنده به سیاست‌های حکومت قاجار در مورد ایلات دیگر پرداخته و جابه‌جایی عشایر به‌منظور تضعیف قدرت آنان را به‌عنوان استراتژی قاجارها نام برده که ایل قشقایی نیز از پیامدهای آن برکنارماند.

تحولات سیاسی ایل در دوران فرمانروایی شاهان قاجار مبحث بعدی این



بخش است. وی در ادامه، ایلیخانان معروف این ایل را معرفی کرده و آن‌گاه به نقش ایل در تحولات دوران مشروطه پرداخته است و پاره‌ای از اقدامات و واکنش‌های آنان را به خوانندگان ارائه می‌دهد و یکی از پیامدهای فتح تهران را دستیابی بختیاری‌ها به قدرت و تضعیف قشقایی‌ها می‌داند. فعالیت‌های برخی از سران ایل قشقایی در مجلس شورای ملی و رقابت و ستیزه‌جویی آنان با سران بختیاری اشاره کرده که بیش از هر چیزی خواننده را با این واقعیت در تاریخ سیاسی جدید ایران روبه‌رو می‌سازد که در دسته‌بندی‌های سیاسی و حزبی نقش گرایش‌های ایلی پررنگ‌تر از تعلقات اجتماعی است. سپس نویسنده به بیان تحولات سیاسی فارس در دوران جنگ جهانی اول و نقش سران قشقایی را در این تحولات بررسی کرده است. بخش دوم فصل هفتم تحت عنوان دو مبحث جداگانه است، مبحث نخست دوران حکومت پهلوی اول را در برمی‌گیرد که مؤلف در این قسمت به تشریح سیاست‌های عشایری رضاشاه در ایران و سپس فارس پرداخته و آن‌گاه به زندگی صولت‌الدوله قشقایی و رابطه‌ی وی با رضاشاه اشاره کرده که از نقطه‌نظر چگونگی تعامل حکومت رضاشاه با سران قدرت‌های ایلی در ایران جالب توجه است.

شورش‌های ایل قشقایی و ترمذ آنان در برابر استرژمی ایلی رضا شاه بخش دیگری از این فصل را به خود اختصاص داده و به لحاظ ارائه‌ی کروئولوژی نبردهای عشایر قشقایی در برابر حکومت مرکزی از اهمیتی ویژه برخوردار است. بررسی فراز و فرود سیاست‌های ایلی رضاشاه در منطقه‌ی فارس و در ارتباط با ایل قشقایی از مباحث بسیار مهم این اثر است که در بازنویسی تاریخ ایلات ایران در این دوره از ارزش مضاعف برخوردار بوده و از آن‌جایی که پاره‌ای از مطالب این مبحث براساس تحقیقات میدانی مؤلف استوار است قابل تأمل می‌باشد.

تحولات سیاسی این ایل در دوران پهلوی دوم واپسین مبحث تاریخ سیاسی این بخش را در برمی‌گیرد که با خروج رضا شاه از ایران و آزادی سران ایلی از جمله خوانین قشقایی از زندان آغاز می‌شود. سپس نویسنده به بررسی رابطه‌ی پهلوی دوم با ایل قشقایی پرداخته که از نکات مهم و برجسته آن می‌توان به قدرت‌گیری دوباره‌ی روسای ایل قشقایی و تقابل آنان با نیروهای حکومت مرکزی در نبرد سمیرم اشاره کرد.

نقش و جایگاه نخبگان ایل در دوران پهلوی دوم و تحولات نهضت ملی شدن صنعت نفت واپسین مبحث این بخش است.

فصل هشتم کتاب تحت‌عنوان اسکان عشایر قشقایی است که مؤلف مراحل سه‌گانه‌ی اسکان را بدین‌گونه تقسیم‌بندی کرده‌است. مرحله‌ی اول ۱۳۰۵ - ۱۳۲۰ ش؛ مرحله‌ی دوم ۱۳۳۷ - ۱۳۵۷ ش و مرحله‌ی سوم دوران انقلاب ایران. آن‌چه در این قسمت حائز اهمیت است این است که نویسنده به ارائه نمونه‌های عینی از تغییر زندگی مردم از کوچ‌نشینی به یک‌جانشینی پرداخته است. در پایان این مبحث مؤلف به‌ارائه‌ی نظرات مخالفین و موافقین طرح اسکان عشا یر پرداخته و راهکارهای آن‌ها را در این زمینه بیان کرده است. (ص ۶۹۵ - ۷۵۵)

فصل نهم این اثر دربردارنده‌ی شرح حال شاعران ترک و غزل‌سرایان قشقایی است. مؤلف در این بخش به معرفی شاعران و نویسندگان قشقایی در گذشته و دوران متأخر پرداخته و پاره‌ای از اشعار آنان را در این قسمت گنجانده است. (ص ۷۵۷ - ۷۷۸)

آن‌چه در زمینه‌ی نقد این اثر می‌توان گفت بدین‌گونه است: مؤلف در ارائه‌ی

مباحث کتاب از یک طرح سیستماتیک و کلی برخوردار نیست و در واقع بخش‌های مختلف کتاب هیچ پیوند دیالکتیکی و تحلیلی باهم ندارند و این مهم، اثر را تا حد یک تاریخ‌توصیفی صرف تقلیل داده است که نویسنده صرفاً به بازگو کردن نظرات دیگران بسنده کرده است. (ص ۱۷ - ۱۸)

در پاره‌ای از مباحث نویسنده به‌ارائه‌ی مطالبی پرداخته که هیچ‌گونه نسبت و پیوندی با اصل موضوع کتاب ندارد. (ص ۳۳۴ - ۳۴۳)

در مبحث ارجاع به منابع و مأخذ نیز، اثر حاضر نارسایی‌هایی چند دارد: اول آن‌که منابع و مأخذ خود را به‌طور کامل به‌خواننده معرفی نکرده است و این نقیصه را می‌توان در فهرست منابع و مأخذ این اثر به وضوح یافت.

ارائه‌ی آمارهای جمعیتی ایل قشقایی برحسب طایفه و اماکن سردسیر و گرمسیر در سال‌های مختلف و بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران در تحلیل تأثیر سیاست‌های ایلی حکومت مرکزی بر ایل قشقایی بسیار منحصر به‌فرد و شایان توجه است. استفاده از آمار در ارائه‌ی تحلیل‌های تاریخی از موارد برجسته‌ی این اثر محسوب می‌شود. (ص ۵۱ - ۵۷)

در مبحث زبان و فرهنگ ایل قشقایی مؤلف به ارائه‌ی مطالب کلی مانند تقسیمات زبان ترکی و... پرداخته که پیوند وثیقی باموضوع موردبحث بر آن متصور نیست. (ص ۵۵ - ۷۸)

آن‌چه در فصل سوم کتاب شایان توجه می‌باشد از ویژگی‌های ممتاز آن به‌شمار می‌رود این است که مؤلف تحقیقات جامعی را در مورد فرهنگ بومی و شفاهی ایل انجام داده و از آن‌جاکه خودایشان نیز دارای علقه‌های ایلی بوده و آشنایی بالنسبه وسیعی با این حوزه داشته بر غنای آن افزوده است. (ص ۶۰ - ۱۷۴)

تحلیل ساختارهای سیاسی اجتماعی ایل و تأثیر آن بر روابط دو جانبه با حکومت مرکزی و ایلات دیگر از جمله مباحثی است که مؤلف آن را نادیده گرفته است. (ص ۲۶۷ - ۳۰۴)

بررسی روابط سران ایل با شرکت نفت ایران و انگلیس و نقش آنان در تحولات مربوط به این حوزه از سیاست خارجی از جمله مباحث مسووط این اثر به‌شمار می‌رود که از لحاظ شناخت نقش و تأثیر قدرت‌های ایلی در سیاست خارجی ایران در گذشته قابل ملاحظه است. (ص ۴۶۱ - ۴۷۰)

تاریخ‌سیاسی ایل قشقایی در دوران پهلوی براساس خاطرات پاره‌ای از سران ایل از جمله موضوعات موردنظر است که از لحاظ بازنویسی تاریخ‌شفاهی معاصر ایران در بخش ایلات و عشایر قابل امان نظر است. (ص ۴۸۹ - ۶۹۱)

در بخش اسکان عشایر قشقایی مؤلف به طرح موضوعات کلی بسنده کرده و از توجه به تأثیرات این عامل در ایل و پیامدهای آن غافل مانده و از ارائه راهکارها و پیشنهادات موردی و کاربردی در حوزه‌ی مورد مطالعه بازمانده است.

واپسین فصل کتاب در واقع ادامه فصل سوم آن محسوب می‌شود که البته نویسنده این مبحث را در یک بخش جداگانه گنجانده و از این نظر دچار نوعی گسست موضوعی در اثرش شده است.

سخن آخر این که کتاب فاقد یک روش سیستماتیک و متعارف در زمینه‌ی فهرست ارجاعات منابع و مأخذ است. در این قسمت دو مسأله قابل طرح است: اول این‌که از ارائه‌ی شناسنامه کامل منابع مورد استفاده خودداری کرده و نقل قول‌های طولانی را در اثرش گنجانده است. دیگر آن‌که اثر مزبور فاقد کتاب‌نامه است.

در نهایت این‌که این کتاب بدون هیچ‌گونه نتیجه‌گیری و جمع‌بندی به پایان می‌رسد و نویسنده از ارائه‌ی نتیجه‌گیری کلی خودداری ورزیده است.